

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۳

جلسه ۹۶ - سه‌شنبه ۹۴/۲/۲۹

#### تبیین دیدگاه برگزیده در مسأله‌ی تعارض دو استصحاب عدم جعل و مجعول

تا به حال به این نتیجه رسیدیم که استصحاب عدم جعل می‌تواند جاری گردد و اگر جاری شود حاکم بر استصحاب مجعول است و فرمایشات مرحوم نراقی و سید خوبی رحمتهما مبنی بر تعارض استصحاب عدم جعل و مجعول ناتمام بود.

اما آیا استصحاب عدم جعل اساساً جاری می‌شود؟

بعد از نقل و نقد سخنانی که در عدم جریان استصحاب عدم جعل ذکر شده بود، نوبت رسیدگی به مصبّ بحث رسیده است. آنچه بیان خواهیم کرد چه‌بسا در ارتکاز تمام کسانی که نافی استصحاب عدم جعل بوده‌اند وجود داشته، اما توضیحی که ذکر خواهیم کرد بدین‌گونه در کلمات محققین نبوده است.

از ما ذکرنا روشن شد که کلّ احکام مسبوق به عدم است، هرچند اگر برخی معتقد شوند تنها الزامیات مسبوق به عدمند ضربه‌ای به بیان ما نخواهد زد. این مسبوقیت به عدم که سپس تبدیل به وجود می‌شود به دو صورت ممکن خواهد بود؛ در یک نوع آن که عمدتاً چنین است، استصحاب عدم جعل جاری نیست و در نوع دیگرش استصحاب مجعول جاری نیست، هرچند استصحاب عدم جعل جاری است.

برای روشن شدن مطلب ابتدا در رابطه با استصحاب جاری در موضوعات، کلام را تبیین می‌کنیم؛ زیرا کسی در موضوعات، قائل به تعارض جعل و مجعول نشده است.

می‌دانیم همه‌ی موضوعات مسبوق به عدم بوده‌اند. مثلاً زید را به عنوان یک موضوع در نظر می‌گیریم و فرض می‌کنیم کسی نذر کرده است مادامی که زید موجود است بر او انفاق کند. می‌دانیم زید همان‌گونه که ازلی نبوده است ابدی نیز نمی‌باشد و پایانی دارد، لهذا عدم زید نسبت به قبل وجودش و بعد وجودش محقق

بوده و خواهد بود و فرضاً ۸۰ سال موجود است و اگر شک کردیم پس از ۸۰ سال نیز وجود دارد یا خیر، آیا استصحاب عدم وجود پس از ۸۰ سال جاری می‌شود؟ کسی به این استصحاب تفوه نکرده است در حالی که در بادی نظر چنین استصحابی جاری است؛ زیرا مسبوق به عدم بوده است و وقتی استصحاب عدم زید جاری شود با استصحاب وجود زید معارضه می‌کند و لذا هیچ‌کدام جاری نمی‌شود، در حالی که کسی را سراغ نداریم گفته باشد تعارض میان عدم جعل و مجعول در موضوعات وجود دارد. ولکن آنچه مهم است نکته‌ی عدم وجود تعارض در موضوعات است. اگر به این نکته دست یافتیم و توانستیم بگوییم این نکته در احکام نیز وجود دارد، در آنجا نیز باید بگوییم استصحاب مجعول جاری است و عدم جعل جاری نیست.

**اما نکته‌ی مطلب:** وجود زید نسبت به استمرار خودش تخصیص نمی‌شود و اگر پای زمان را به بحث وارد کنیم و بگوییم وجود زید در لحظه‌ی اول، در لحظه دوم و سوم و ... در واقع صحیح نیست؛ زیرا وجود زید از این حیث واحد است و به اعتبار استمرارش تخصیص نمی‌شود؛ زیرا امرش دائر بین وجود و عدم است و گفته نمی‌شود حصه‌ای از زید نسبت به قطعه‌ی اول وجود دارد و نسبت به قطعه‌ی دوم مشکوک است یا ...، بلکه زید یا موجود است یا موجود نیست. لذا عدم زید قطعاً به وجود زید منتقض شده است، عدم نیز تخصیص بردار نیست. وقتی عدم زید تبدیل به وجود زید شد شک می‌کنیم این وجود زید هنوز مستمر است یا خیر؟ یا به تعبیر دیگر هست یا نیست؟ استمرار وجودش حالت سابقه دارد ولی عدم استمرارش حالت سابقه ندارد؛ زیرا عدم زید منتقض شده است. بنابراین تنها استمرار وجود زید استصحاب می‌شود؛ چون تنها یک وجود بوده است که عدمش نقض شده است و موجود شده است و وجودش نیز واحد و از حیث مورد نظر، غیر محصص و بسیط است.

آنچه بیان شد مربوط به جعل و امر تکوینی یعنی وجود زید بود، اکنون باید دید آیا در امور اعتباری و مجعولات شرعیه نیز چنین است؟

وجوب و حرمت نیز در عالم اعتبار، جعل می‌شوند و فرض آن است که مسبوق به عدم هستند و عدم نسبت به استمرار وجوب و حرمت، حصه‌بردار نیست. احکام وضعیه نیز به اعتبار استمرارشان حصه‌بردار نیستند.

**مثال برای احکام تکلیفیه:** اگر گفته شد وجوب جلوس در فلان مکان که از صبح تا ظهر است، یک واحد بسیط غیر متجزی است، هرچند استمرار دارد اما این استمرارش موجب تخصیص وجوب جلوس به حصه‌های متعدد نیست، بلکه یک واحد بسیط است که در عالم اعتبار جعل شده است؛ همان‌گونه که زید برای ۸۰ سال جعل تکوینی شده است. بنابراین اگر بعد از ظهر، وجوب جلوس استمرار داشته باشد

حصه‌ی جدیدی نیست بلکه ادامه‌ی همان وجوب قبلی است، کما اینکه اگر زید بیش از ۸۰ سال عمر کند زید جدیدی نیست بلکه همان زید است. حال در وجوب جلوس اگر شک کنیم آیا بعد از زوال ظهر نیز استمرار دارد یا خیر، نمی‌توانیم بگوییم سابقه‌ی عدم داشته است لذا عدم استمرار وجوب تا بعد زوال را استصحاب نماییم؛ زیرا استمرار وجوب حصه ندارد و بسیط است و امرش دائر بین وجود و عدم است، بنابراین وقتی عدم آن منتقض به وجود شد تنها استصحاب وجوب جلوس جاری می‌شود که همان استصحاب مجعول است و استصحاب عدم جعل جاری نیست.

**مثالی برای احکام وضعیه:** وقتی آبی با تغییر نجس می‌شود، عدم حکم تبدیل به حکم می‌شود. این حکم به اعتبار استمرارش متحصص نمی‌شود کما اینکه عدم آن نیز دارای حصص نمی‌باشد، بنابراین در مثل «هذا الماء نجسٌ للتحییر»، تا بقاء تغیر، قدر متیقن نجاست است و بعد از زوال تغیر بنفسه شک می‌شود آیا همان نجاست باقی است یا زائل شده است؟ اگر باقی باشد حصه‌ی جدیدی نیست بلکه استمرار همان وجود است که یک وجود بسیط و ممتد است، لهذا نمی‌توانیم بگوییم نجاست این ماء مسبوق به عدم بوده است؛ زیرا نجاست وجود پیدا کرد و تنها شک در استمرار وجودش داریم و عدم سابق قطعاً با وجود بسیط واحد نقض شده است و چند عدم یا چند وجود نداشته‌ایم تا استصحاب عدم جاری سازیم. بنابراین امر نجاست دائر میان وجود و عدم بود و اکنون وجود یافت، لهذا استصحاب عدم جاری نمی‌شود و تنها استصحاب وجود که حالت سابقه‌ی متیقنه دارد جاری می‌شود و استصحاب نجاست بدون توهم معارضه با استصحاب عدم جعل نجاست جاری است.

آنچه بیان کردیم می‌تواند توضیح فرمایش شیخ اعظم<sup>۱</sup>، انصاری اعلی الله مقامه باشد؛ بدین صورت که اگر زمان را مفرد قرار دهیم استصحاب مجعول جاری نیست و اگر زمان را ظرف قرار دهیم استصحاب عدم جعل جاری نیست.

و بنابراین اگر در جایی لسان دلیل به گونه‌ای باشد که استمرار حکم در یک موضوع به نحو تخصیص

---

۱. فرائد الاصول (ط - انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۶۴۸:

أما أولاً فلأن الأمر الوجودی المجعول إن لوحظ الزمان قیداً له أو لمتعلقه بأن لوحظ وجوب الجلوس المقید بكونه إلى الزوال شيئاً و المقید بكونه بعد الزوال شيئاً آخر متعلقاً للوجوب فلا مجال لاستصحاب الوجوب للقطع بارتفاع ما علم وجوده و الشك في حدوث ما عداه و لذا لا يجوز الاستصحاب في مثل صم يوم الخميس إذا شك في وجوب صوم يوم الجمعة و إن لوحظ الزمان طرفاً لوجوب الجلوس فلا مجال لاستصحاب عدمه لأنه إذا انقلب عدم إلى الوجود المردد بين كونه في قطعة خاصة من الزمان و كونه أزيد و المفروض تسليم حکم الشارع بأن المتیقن في زمان لا بد من إبقائه فلا وجه لاعتبار عدم السابق. ....

باشد و انحلال در کار باشد، معلوم است که استصحاب عدم جعل جاری است؛ زیرا در حقیقت چند حکم مستقل است و استصحاب مجعول جاری نیست زیرا شک در استمرار وجود ندارد، بلکه شک در إسراء حکم از موضوعی به موضوع دیگر خواهد بود.

به تعبیر شیخ رحمته الله اگر زمان مفرد باشد یعنی هر قطعه حکمی برای موضوعی داشته باشد، معلوم است که هر کدام مسبوق به عدمند و استصحاب عدم جعل جاری است ولی استصحاب مجعول جاری نیست.

**إن قلت:** به هر حال در بحث برائت گفته شده است<sup>۱</sup> استصحاب عدم وجوب در بیش از متیقن جاری است. اکنون در این مبحث آن را جاری نمی‌دانید و این تهافت است!

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی

---

۱. همان، ص ۴۶۲:

و بالجملة فالعلم الإجمالي فيما نحن فيه غير مؤثر في وجوب الاحتياط لكون أحد طرفيه معلوم الإلزام تفصيلا و الآخر مشكوك الإلزام رأسا و دوران الإلزام في الأقل بين كونه مقديما أو نفسيا لا يقدر في كونه معلوما بالتفصيل لما ذكرنا من أن العقل يحكم بوجوب القيام بما علم إجمالا أو تفصيلا إلام المولى به على أي وجه كان و يحكم بقبح المؤاخذة على ما شك في إلامه و المعلوم إلامه تفصيلا هو الأقل و المشكوك إلامه رأسا هو الزائد و المعلوم إلامه إجمالا هو الواجب النفسى المردد بين الأقل و الأكثر و لا عبرة به بعد انحلاله إلى معلوم تفصيلى و مشكوك كما في كل معلوم إجمالى كان كذلك كما لو علم إجمالا بكون أحد من الإناءين اللذين أحدهما المعين نجس خمرًا فإنه يحكم بحلية الطاهر منهما و العلم الإجمالى لا يؤثر في وجوب الاجتناب عنه.

و مما ذكرنا يظهر أنه يمكن التمسك في عدم وجوب الأكثر بأصالة عدم وجوبه فإنها سليمة في هذا المقام عن المعارضة بأصالة عدم وجوب الأقل لأن وجوب الأقل معلوم تفصيلا فلا يجرى فيه الأصل.